اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هشتاد و یک)

آخر الزمان (قسمت نوزدهم)

دفع کردن دیوها (بخش پانزدهم)

شرایط گلخانه ای (قسمت هفتم)

شرایط گلخانه ای در جنبه های جزئی میان زندگی انسانها نفوذ کرده است. دلیل این نفوذ، خارج شدن و دور افتادن از نظام خدای رحمان است. انسانها بطور مستمر به داروهای شیمیایی و روشهای مصنوعی و زمانهای مصنوعی بدن خود را عادت داده اند و این داروها و زمانهای مصنوعی، انسانها را جزئی نگر بار میاورند. نظام خدای رحمان برکت دارد، اما نظام گلخانه ای برکت ندارد. نظام گلخانه ای یر به یر و حتی خیلی کمتر کار میکند. اما نظام رحمانی ، مثلا در قالب آب، خیلی چیزهای دیگر هم به شما خواهد داد. خدای رحمان بخشنده و مهربان است. برف و یا آبی که خدا می باراند، از بالای کوهها، به داخل خاکها و سنگها نفوذ کرده و در چشمه ها و رودخانه ها جاری

میشود و املاح زیادی را با خود همراه میکند. این آب، فقط H2O نیست، بلکه مجموعه ای از املاح گوناگون و مورد نیاز بدن انسان و سایر حیوانات و گیاهان را در خود دارد. در نتیجه این آب معدنی مغذی، در تمام محصولات بصورت آبشاری جاری میشود و قرآن این را برکت می نامد. پیامبر ابراهیم میگوید که خداست که من را طعام میدهد و من را سیراب میکند (وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (٧٩)) . **او از لفظ یسقین استفاده میکند و لزوما از لفظ آب (ماء) استفاده نمی کند. زیرا آب همان** H2O **است ولی وقتی از سقا صحبت میشود، یعنی علاوه بر آب نیازهای دیگر را هم می پوشاند. خدا وقتی تشنگی افراد را برطرف میکند، فقط تشنگی را برطرف نمی کند، بلکه خیلی نیازهای دیگر را همزمان برطرف میکند و این است که خدا رحمان و رحیم است. ابراهیم به عنوان الگوی یکتاپرستان جهان این نکته را درک کرده بود و به درک صحیحی از زندگی رسیده بود. هر انسان دیگری هم باید به چنین درکی از زندگی برسد و گرنه به درجه رشد نمی رسد.**

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾

و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد [فکری]اش را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم (٥١)

خدای رحمان وعده می فرماید که اگر امتی پندار نیک (آمنوا) و تقوا داشته باشند، قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان باز میشود. در کل تقوا برای حفاظت از پندار نیک است. ما انسانها برای ماندن در نظام رحمانی ، حتما و حتما به تقوا نیاز داریم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾

و اگر مردم شهرها ایمان (پندار نیک) آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم (۹۶)

حتی اگر شرایط گلخانه ای برقرار شده باشد، برکاتی از آسمان و زمین برایشان گشوده خواهد شد. این نکته خیلی مهم است که بدانیم چطوری آدمیان خود و محیط زیست خویش را به سمت گلخانه ای شدن می برند. مهمترین علت، این است که مردم زمانهای اختراعی خویش را جای زمانهای رحمانی می گذارند. خدای رحمان، زمانهای نماز، زمان روزه، زمان طلوع، زمان غروب، زمان بیدار شدن، زمان خوابیدن، شب، روز، فصل زمستان، تابستان، پاییز، بهار و ... گذاشته است. خدای رحمان از مردم میخواهد که این اوقات را رعایت کنند و امور زندگی خویش را براساس این اوقات زمانبندی کنند. به همین خاطر خدا می فرماید که نماز کتابی زماندار و مبتنی بر زمان است (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا)**. اما مردم به زمانهای اختراعی خود، همچون جشن سالگرد ازدواج، تولد و هالووین و روز مرد و روز زن و ... بیشترتوجه**

میکنند. هرچند خدا این زمانهای مصنوعی را منع نکرده است ولی بی اهمیت اند و نباید بولد شوند. بچه ها از همان بچگی ، خیلی به روز تولدش اهمیت میدهند ولی او را با زمانهای نظام رحمانی آشنا نمی کنند و او را گلخانه ای پسند بار می آورند؛ بعد که بزرگ شد، والدین انتظار دارند که کودک در راه صحیح قرار گرفته باشد و این انتظار بی نتیجه ای است.

زمانهای رحمانی بدن انسان را سالم نگه میدارند و از روانپزشک و پزشک بی نیاز میشوید. مثلا نماز و وضو به نوعی خالی کردن جریان الکتریسیته جمع شده در بدن است که این جریان در مسیر اعصاب قرار دارد. سجده کردن در نماز باعث میشود که جریانهای مغناطیسی جمع شده در بدن خارج شود و همچنین باعث تنظیم فشار خون میشود. زیرا شیطان از طریق همین مسیر اعصاب بر اعصاب و مغز انسان مسلط میشود. روزه و نماز و زکات به معنای واقعی و معنویت نهفته در آنان؛ کار پاکسازی اعصاب را انجام میدهند. بنابراین زمانهایی که خدا گذاشته است، حتی در سلامتی بدن ما هم موثرند. اما زمانهای مصنوعی فقط اعصاب خرد کن هستند و برخلاف سلامتی بدن انسان عمل میکنند.

خدای حکیم در سوره مدثر از داستان جهنمیان صحبت میکند. وقتی از افراد جهنمی سوال میشود که چه چیزی شما را به این جا آورد. آنان در جواب میگویند که نمازها را رعایت نمی کردند و در زمان نمازها ، مشغول کارهای دیگری بودند.

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿۴۲﴾چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾گویند از نمازگزاران نبودیم
وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿۴۴﴾و بینوایان را غذا نمی دادیم
وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿۴۵﴾با هرزه درایان هرزه درایی میکردیم
وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۴۶﴾و روز جزا را دروغ می شمردیم
حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿۴۷﴾تا به یقین رسیدیم

حتی خدای مقدس، از روز برداشت محصولات و بهره برداری از آن صحبت میکند (وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ) **که مردم باید در آن زمان زکات درآمد خویش را بپردازند. هر زمانی در نظام رحمانی، اهمیت مخصوص خودش را دارد و نباید نادیده گرفته شود.**

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱۴۱﴾

و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست و خرمابن و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید و[لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد (۱۴۱)

یک اصل در قرآن وجود دارد و آن این است که : هر آنچه و هر آنکس که بیشترین تقدس را در ذهن شما دارد ، و بیشتر از همه دوستش دارید ، خدای شماست. ما با فقط حرف نمیتوانیم خدای خویش را تعیین کنیم، بلکه پندار و کردار ما هم در تعیین خدای ما موثرند. ما باید فقط و فقط خدای قادر متعال را مدام در ذهن خویش داشته

باشیم. خدا را همیشه به یاد داشتن مثل یک سپر است برای دوری از گناهان. به همین خاطر خدای مهربان میفرماید که قبل از ذبح و یا غذا خوردن ، خدا را یاد کنید و او را به خاطر نعمتهایش سپاس گویید.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿۱۱۹﴾
و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی خورید با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده جز آنچه بدان ناچار شده اید برای شما به تفصیل بیان نموده است و به راستی بسیاری [از مردم دیگران را] از روی نادانی با هوسهای خود گمراه می کنند آری پروردگار تو به [حال] تجاوزکاران داناتر است (۱۱۹)

حتی اگر در آینده قصد انجام کاری را دارید ، بگویید که اگر خدا بخواهد. اینجوری مدام در همه چیز خدا را به یاد دارید و مثل یک سپر دفاعی در مقابل شیطان عمل خواهد کرد. به این طریق حتی زمان آینده ما هم به خدا سپرده میشود.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿۲۳﴾
و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد (۲۳)
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا ﴿۲۴﴾
مگر آنکه خدا بخواهد و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است هدایت کند (۲۴)

خدای مقدس، یک ماه از سال را برای روزه داری قرار داده است و این زمانبندی برایش مهم است. اما اکنون مردم تسلیم خدای رحمان نیستند و زمانهای نظام رحمانی را وقعی نمی نهند و زمانهای اختراعی خویش را بر زمانهای خدای رحمان ترجیح میدهند. خدا نحوه بندگی و عبادت خود را به بهترین نحو به ما آموزش داده است و اوست که به بندگان خود آگاه تر است و بهتر می داند که چه چیزی برای انسان مناسب تر و مفید تر است. خدای رحمان زمانهای زیادی در اختیار انسان قرار داده است و اگر کسی این زمانها را رعایت کند، از نظام رحمانی خارج نمیشود. وقتی شب است، یعنی بخوابید؛ وقتی روز است یعنی بیدار شوید و فعالیت و کار و تلاش و کوشش کنید. حتی مردم وقتی از نوستالوژی و خاطرات گذشته حرف میزنند، از نظام رحمانی بسیار کم صحبت می کنند، بلکه بیشتر از خاطراتی حرف میزنند که مصنوعی است. شایسته است که انسان در تعریف خاطرات گذشته ها، نعمات خدای رحمان را بیاد آورد و در هر چیزی خدا را در اولویت قرار دهد. به این ترتیب مردم با خدای رحمان انس می گیرند و زندگیشان پر از برکت میشود.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته (کردار نیک) کرده اند به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد (۹۶)

مردم زمان ما ناخودآگاه متوجه شده اند که برکت از زندگی ها رفته است و با آنکه درآمدها و پولها بیشتر شده است، ولی مخارج و نیازهای زندگی را نمیتوانند تهیه کنند. وقتی نظام رحمانی نباشد، انسانها وارد شرایط گلخانه ای میشوند و هزار کمبود پیدا میکنند و تهیه همه اینها پول میخواهد. با توجه به بوجود آمدن شرایط گلخانه ای برای همگی انسانها، نمیتوان از بعضی هزینه ها کاست. اما تنظیم زمانهای زندگی براساس نظام رحمانی، از خیلی هزینه های زندگی می کاهد.

عدم رعایت زمانبندی های رحمانی ، زندگی را زشت میکند. خدای مهربان می فرماید که هر چیزی را از آب خلق کردم؛ آن مهربان حکیم، برای آب بو، مزه، رنگ قرار نداده است. تصور کنید که اگر آب بو داشت؛ از آنجا که بدن ما نزدیک به هشتاد درصدش آب است؛ همیشه یک بوی خاص و غالب میداد و بوهای دیگر بی تاثیر بود. اگر آب رنگ خاصی داشت؛ هر رنگی در طبیعت متمایل به آن رنگ بود و خسته کننده بود. اگر هم آب طعم داشت؛ تمام غذاها و میوه ها را تحت تاثیر خود قرار میداد و مزه ها و طعم های متفاوت بسیار کم میشد. این است که نظم خاصی بر جهان حکمفرماست و خدا اینطوری آیاتش را در طبیعت به بشریت نشان میدهد و واقعا طبیعت، کتاب دقیقی است که صاحبان خرد آن را درک میکنند. اما نقض نظام رحمانی، باعث زشت شدن کردار ها و آلودگی پندار میشود. شنبه ها زمانی بود که مردم در آن می بایست حرمت تعطیلی این روز را نگه میداشتند ولی مردم آن زمان کاملا تسلیم زمانهای رحمانی نبودند و میخواستند این زمانها را نقض کنند. شیطان خیلی خوب میداند که اولین قدم برای خارج شدن از نظام رحمانی، به هم خوردن زمانهاست.

اینکه مردم اکنون تا نیمه شب نمی خوابند و وقت خود را با فیلمهای تلویزیونی و آهنگها و شوهای تلویزیونی تلف میکنند، این اولین قدم در عصیان علیه خدای رحمان است.

بعضی ها می گویند که دینداری بخاطر وعده بهشت و ترس از جهنم ، کار پسندیده ای نیست. این افراد هنوز در نظام رحمانی زندگی نکرده اند و اصلا نمی دانند که انسان ، انسان است و ما به محیطهایی مثل بهشت نیاز داریم و دلتنگی برای محیطی مثل بهشت و ترس از جهنم، به نوعی رعایت نظام رحمانی است. ما در غبطه چشمه ها و محیط زیست چهل پنجاه سال پیش هستیم و اگر کسی بخاطر از دست رفتن اینها غبطه بخورد، نشان میدهد که دلش برای نظام رحمانی تنگ شده است. آنوقت چطوری میتوانیم محیطی مثل بهشت را نادیده بگیریم. کلا این نظرات شیطان پسند را، وحدت وجودی ها مطرح میکنند و چنان حرف میزنند که انگار میخواهند به مقام خدایی برسند. در حالی که انسان باید برای بندگی تلاش کند و نه خدا شدن. ما انسانها نیازمند خدای رحمان هستیم و این نیاز خودش نه تنها عیب نیست، بلکه رابطه صحیح عبد و معبودی است. زن یکی از فرعونها، از خدا تقاضا میکند که خانه ای در بهشت برایش بسازد. او در قصر فرعون گیر افتاده بود و به این نتیجه رسید که قصر پر از امکانات مصنوعی و گلخانه ای جای مناسبی برای زندگی نیست و او آرزوی همان نظام پر برکت خدای رحمان در بهشت را دارد.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾

و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان (۱۱)

نکته مهمی را در نظر داشته باشید که اگر در نظام رحمانی نباشید، قطعا در نظام شیطانی هستید، حالت سومی وجود ندارد. یعنی اگر طبق زمانها و دستورات و معیارهای خدای رحمان عمل نکنید، قطعا شیطان دارد از شما تغذیه معنوی میکند ولی خودت خبر ندارید.

دو زمان دیگر که در نظام رحمانی خیلی مهمند، زمان مرگ و آخر دوره ها و عصرهاست. خدای رحمان؛ آخر عمر و آخر عصرها (دوره ها) را تا مدت معینی از ما پنهان نگه میدارد، فقط به این خاطر که ما همیشه آماده باشیم. وقتی خدا آخر عمر ما را از خودمان پنهان نگه میدارد؛ یعنی میخواهد ما همیشه آماده رفتن باشیم و طوری عمل کنیم که انگار فردا می میریم. آخر عصرها و دوره ها هم زمانی است که نظام جهان عوض میشود و انسانها وارد شرایط گلخانه ای تر میشوند.

تمام موجودات آسمان و زمین علی الخصوص پرندگان، زمان ارتباطی خود با خدای رحمان را بلدند و همگی طبق آن عمل میکنند. آیه خیلی زیبا می فرماید که پرندگان در حالی که در آسمان پر گشوده اند، در واقع با این کار تسبیح خدای رحمان می گویند. پرگشودن، شاید زمان تفریح پرندگان باشد؛ ولی این زمان، زمانی است که به

خدای رحمان اختصاص داده شده است و این همان شکرگزاری آنهاست. حتی پرندگان تفریحشان را به تقدیس و تسبیح خدای رحمان اختصاص میدهند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿۴۱﴾

آیا ندانسته ای که هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده اند [تسبیح او می گویند] همه ستایش و نیایش خود را می دانند و خدا به آنچه می کنند داناست (۴۱)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۴۲﴾

و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی خداست (۴۲)

یک خروس صبح زود شروع میکند به خواندن و این خودش رعایت زمانبندی رحمانی است. اما اگر این زمانبندی رحمانی رعایت نشود، دیگر شرایط گلخانه ای پیش خواهد آمد. در پرورش جوجه ها در مرغداری با زمانبندی های مصنوعی، جوجه ها را وارد شرایط گلخانه ای میکنند و در نتیجه کیفیت لازم را ندارند.

نماز و سایر زمانبندی هایی که خدای رحمان برای ما گذاشته است، در واقع تمرینی است برای ماندن در چرخه رحمانی. چرخه رحمانی همان پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک است. این چرخه نباید متوقف شود و باید مدام قوی تر شود تا نیروهای شرّ در دنیا اعم از شیاطین جنی و شیاطین انسی، دور شوند و قوی تر نشوند. به همین

خاطر خدا می فرماید که برای اینکار از صبر و نماز کمک بگیرید. صبر و نماز هر دو مبتنی بر زمان هستند. صبر به نوعی برای ترغیب انسانهاست تا که از نظام رحمانی خارج نشوند و مقاومت به خرج دهند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جویید زیرا خدا با شکیبایان است (۱۵۳)

ما باید با نظام رحمانی خود را مَچ کنیم و سعی کنیم خود را با آن تطابق دهیم و تنظیم کنیم. پرندگان در زمان سرما، هوا را میان بالها و پرهای خود می برند و حالت پف کرده پیدا میکنند و این بخاطر نگهداری هوای گرم در میان بالهای خود است که مثل عایق عمل میکند و با این کار از سوز سرما نجات می یابند. آنها بدون کوچکترین ضربه ای به طبیعت و محیط زیست رحمانی، خودشان را با نظام رحمانی تنظیم میکنند. اما انسانها برعکس عمل میکنند و سعی دارند که طبیعت و محیط زیستشان را مطابق امیال و هوای خود تنظیم کنند و در این راه افراط و تفریط کرده و ضربات جبران ناپذیری به محیط زیست خود وارد میکنند و وارد شرایط گلخانه ای میشوند. اسکیموها، در میان برف زندگی میکنند و خانه هایشان را از همان برف و یخ درست میکنند و خود را به نحو جالبی با نظام رحمانی تطبیق میدهند. البته اینجا منظور این نیست که مثل اسکیموها زندگی کنیم؛ زیرا اصلا امکان پذیر نیست. منظور کلی این است که ما باید تا حد امکان خود را با نظام رحمانی تطبیق دهیم و از دخالت در محیط

زیست و نظام رحمانی خودداری کنیم. تطبیق یافتن با نظام و زمانهایی که خدای رحمان تعیین کرده است، حس رضایت به انسانها میدهد و از خیلی از هیجانات الکی و کمبودهای روانی جلوگیری میکند. خوشبختی و حس رضایت انسانها به مقدار امکانات مصنوعی و گران قیمت نیست، بلکه بیشتر جنبه روانی دارد و این حس فقط براساس زمانها و فرامین خدای رحمان برآورده میشود.

خدا در قرآن می فرماید که آن خالق بی همتا بی نیاز است و این به آن معناست که او به پندار و کردار و گفتار نیک ما نیاز ندارد. بلکه ما خودمان به این چرخه نیاز داریم و اساسا ماندن در چرخه رحمانی، از اساسی ترین نیازهای روحی روانی هر انسانی است که با هیچ روش دیگری این خلاء پر نمیشود. کسی که در این چرخه بماند و مدام بر پندار نیک و کردار نیک و گفتار نیک باشد ؛ از مزایای نظام رحمانی بهره خواهد برد و برکاتی به او خواهد رسید. نظام خدای رحمان جوابگوست ولی نظام شیطانی جوابگو نیست و شیطان خیلی راحت خلف وعده میکند. اما خدای رحمان هیچ چیزی را بی جواب نمی گذارد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾

پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۸)

با سیستم شیطانی به نتیجه نخواهید رسید و اصلا نمیتوان با راه و روش شیطانی به نتیجه رسید. این یکی از زمانهای مهمی است که بندگان خدای رحمان باید آن را مد نظر داشته باشند.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿۶۴﴾

و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾

و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان و جاهلان ایشان را خطاب قرار دهند؛ آنوقت به ملایمت پاسخ می دهند. این یکی از زمانهای مهم است که بندگان خدای رحمان آن را رعایت میکنند. زمانی که نادانان و جاهلان آنان را مخاطب قرار میدهند و یا آنان را با حرفهایشان اذیت میکنند؛

در این حالت خدا میخواهد که ما قاطی کردار آنها نشویم و مثل آنها رفتار و توهین نکنیم و گفتار وکردار خویش را آلوده نکنیم و از چرخه رحمانی خارج نشویم.

دستکاری و درست عمل نکردن در این زمانها به نوعی تغییر در خلقت خدادادی است. این را باید بدانیم که شیطان وعده داده است که آدمیان را به تغییر خلقت وادار خواهد کرد.

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿۱۱۸﴾

خدا لعنتش کند [وقتی که] گفت بی گمان از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخواهم گرفت (۱۱۸)

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا ﴿۱۱۹﴾

و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند و[لی] هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعا دستخوش زیان آشکاری شده است (۱۱۹)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾

[آری] شیطان به آنان وعده می دهد و ایشان را در آرزوها می افکند و جز فریب به آنان وعده نمی دهد (۱۲۰)

براساس آیه ۱۱۹ سوره نساء؛ هدف اصلی شیطان تغییر در خلقت و نظام رحمانی است. شیطان می گوید: وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ

شیطان می گوید: آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند و وادارشان می کنم تا آفریده های خدا را دگرگون سازند. در این قسمت شیطان هدف نهایی خویش را بیان میکند و میگوید که انواع حمله ها را به بنی آدم میکند تا که خلقت خدا را تغییر دهند و دگرسازی انجام دهند. خلقت خدا شامل نظام رحمانی و زمانهای رحمانی هم هست. زمانی که آدم آفریده شد، ابلیس و سایر فرشتگان شاهد آفرینش او بودند و بنابراین ابلیس نقطه ضعف روحی روانی بنی آدم را خیلی خوب و با جزئیات میداند و به همین خاطر میداند که زمانهای رحمانی بسیار در سرنوشت انسان موثرند و انسان با تغییر خلقت خدا، روانش به هم می ریزد. تغییر خلقت یعنی امضای سفید دادن به شیطان. وقتی تغییر خلقت می دهید، یعنی وارد یک نظام دیگر غیر از نظام رحمانی شده اید. نظام جدید، حساسیتها و قوانین خودش را دارد و برکت ندارد.

در این نظام جدید، روابط بین زوجین طور دیگری است. زن و شوهری که بیست سال تمام با هم زندگی کردند؛ بعد از بیست سال یکی از آنها از نظام رحمانی خارج شده و خطاب به همسرش میگوید: خوبی چه بدی ای داشت که یک بار برایم نکردی!

زوجی که بیست سال با هم زندگی کرده باشند، قطعا خوبیهای زیادی برای هم کرده اند ولی چرا این جمله از زبان این همسر خارج میشود. زیرا همسر بخاطر تغییر زمانها و خلقت خدادادی، از نظام رحمانی خارج شده و در نتیجه وقتی می گوید که خوبی چه بدی ای داشت که تو یکبار برای من انجامش ندادی؛ منظورش انجام خوبی طبق نظام جدید است که او وارد آن شده است.

شیطان با وارد کردن انسانها در نظام خودش، حس رضایت از نظام رحمانی را از افراد می گیرد. زیرا میداند که انسانها برای دستیابی به بهشت برین، حتما و حتما به رضایت از نظام رحمانی باید برسند.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ای نفس مطمئنه (۲۷)

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ و در میان بندگان من درآی (۲۹)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾ و در بهشت من داخل شو (۳۰)

کسی که مثلا یوگا و مدیتیشن کار میکند، زمانهای رحمانی برای او بی اهمیت میشود و در نتیجه حس رضایت هم بدست نخواهد آورد. اساسا مدیتیشن فلسفه ای خلاف نماز دارد. مدیتیشن یعنی آدمیان در خیالات و پندار فرو روند و در آنجا توقف کنند و در نتیجه پندارها به کردار و گفتار تبدیل نشود. وقتی پندار همچنان در سطح پندار بماند و به کردار و گفتار تبدیل نشود، راکد میماند و می گندد و منحرف میشود و به پندار بد تبدیل میشود. به همین خاطر چرخه رحمانی (پندار نیک - کردار نیک - گفتار نیک) تا آخرین لحظه زندگی ما حتما باید همیشه بچرخد و نایستد که در توقف

این چرخه، شیطان در کمین است. خدا در آیه مهم زیر می فرماید که لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا **کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد.**

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

یعنی پندار نیک انسانها سودی ندارد (لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا**) مگر اینکه پندار نیک را به کردار نیک تبدیل کرده باشد (**كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا**). در پایان آیه، خدای حکیم می فرماید که بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم. نکته آخری آیه به این معناست که یعنی نباید در تبدیل پندار نیک به کردار نیک تعلل کرد و نباید منتظر شد، بلکه باید فورا پندارهای نیک را به کردار و گفتارهای نیک تبدیل کنیم و خیری برای خود کسب کنیم. اما خدای مهربان در مورد پندارهای بد، برعکس این موضوع را پیشنهاد میدهد. خدا میفرماید که پندارهای بد (شک و گمانهای بد) را فورا به کردار و گفتار تبدیل نکنید که بسیار گناه بزرگی است.**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند (۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است (۱۲)

خدای مهربان در آیه بالایی از اهمیت گناه سخن پراکنی بین زنان صحبت میکند (وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ**) و مخصوصا آن را برای زنان ذکر میکند و به آنها هشدار میدهد. گاهی سخنی از زبان یک زن گفته میشود و به سرعت بین آنان پراکنده میشود. این سرعت سخن پراکنی خطر بسیار بزرگی است که روان آنان را آلوده میکند. آفرینش زنان و مردان از جهات زیادی متفاوت است. بیشتر مردم به این نکته توجه نمی کنند. سخن پراکنی و سخن چینی، روان زنان را به اندازه ای آلوده میکند که با دزدی کردن مردان برابری میکند. خدای مهربان زمان دیگری را مخصوص زنان قرارداده است و این زمان ، زمان قاعدگی است. این زمان گرچه برای زنان نوعی اذیت است، ولی برای**

هدایت آنان لازم و ضروری است. زیرا زنان بیشتر از مردان، به خصوصیات خویش توجه میکنند و به آن وابسته میشوند. این زمانبندی، جهت بیدار کردن آنان است تا به ضعف خویش پی برند و به خود آیند و به نظام رحمانی برگردند. این یک اصل اساسی است که بین زنان و مردان تفاوتهایی وجود دارد و کسی نمیتواند آن را انکار کند. زنانی که میخواهند این تفاوتها را نادیده بگیرند، در واقع با نظام رحمانی در می افتند و هیچوقت به احساس رضایت نخواهند رسید.

خدای مهربان از روز خروج صحبت میکند. این خروج مربوط به زمانی است که دیگر زمین برای سکونت بدرد نمی خورد و آن قدر شرایط گلخانه ای پیچیده میشود که قیامت میشود و مردم از زمین باید خارج شوند و این حادثه بزرگ همان قیامت است. مومنین در آن روز تمایلی برای زندگی روی زمین ندارند و از زندگی روی زمین خسته میشوند و در نتیجه خدای مهربان آنان را نجات میدهد.

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿۴۱﴾
و روزی که منادی از جایی نزدیك ندا درمی دهد به گوش باش (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿۴۲﴾
روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می شنوند آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است (۴۲)

خدای مهربان، در آیات قرآنی میخواهد از همان بچگی ، کودکان را با زمانهای مهم آشنا کند و آنان را به آن خو دهد. تربیت بچه ها بسیار مهم است و براساس زمانهایی که خدای رحمان معرفی میکند، باید صورت گیرد. بسیاری از کمبودها و نارسایی ها در دوران بزرگسالی ناشی از تربیت غلط دوران کودکی است. بسیاری از کنجکاویهای جنسی در دوران جوانی و بزرگسالی ناشی از افراط و تفریط دوران بچگی است. خدای مقدس آیه ای از قرآن را ذکر نموده است که محدوده و مرز فیلترینگ مسائل جنسی را برای بچه ها تعیین می کند. در خیلی موارد بچه های مدرسه ای وقت خویش را به کنجکاوی در مسائل جنسی اختصاص می دهند و همین مورد کل زندگی آینده شان را تحت تاثیر قرار می دهد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید قطعا باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه های خود را بیرون می آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید] خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند و خدا دانای سنجیده کار است (۵۸)

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۹﴾

و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می دارد و خدا دانای سنجیده کار است (۵۹)

در این آیه خدای حکیم به پدر و مادرها دستور می دهد که بچه ها را از همان دوران بچگی طوری تربیت کنند که در سه مورد در شبانه روز در وارد شدن به اتاق والدین اجازه بگیرند. این اجازه گرفتن فواید زیادی دارد. از جمله این که کودک متوجه میشود که بعضی اوقات در خانواده خصوصی است و باید مرزهایی را رعایت کند و در نتیجه دیگر کودک در سن بزرگسالي وقت خویش را با مسائل جنسی و کنجکاوی در مسائل جنسی هدر نمی دهد. در این آیه خدا به پدر و مادر دستور می دهد که بچه ها را از همان دوران بچگی طوری تربیت کنند که در سه مورد در شبانه روز در وارد شدن به اتاق والدینشان اجازه بگیرند. افراط و تفریط در این مورد آدمی را جری تر می کند. دقیقا باید مطابق با آیه مورد نظر باشد. دقیقا باید رفتار با بچه ها مطابق و در محدوده آیه مورد نظر باشد. زیرا خدا ما را آفریده است و بهتر به نفس ما آگاه است. او خالق ماست.

خدا بسیار دقیق برنامه ریزی می کند. کارهای خدا بسیار دقیق است. خدا بسیار دقیق کارهایش را به نتیجه می رساند. همه عوامل و فاکتورها در اختیار خداست. خدا از بالا بر همه چیز احاطه دارد. براساس توصیه جادوگران ، فرعون دستور کشتن نوزادهای مذکر قوم بنی اسرائیل را صادر می کند. فرعون همه را می کشد بجز موسی را. این قدرت خداست. خدا بالاتر از فرعون است. خدا به مادر موسی وحی می کند و موسی

داخل صندوقچه ای به رودخانه انداخته میشود. رودخانه به قصر فرعون می رود. موسی به قصر فرعون می رود. خانواده فرعون موسی را از آب می گیرند. در همه این وقایع خدا ناظر است و همه را می بیند. خدا نقطه ضعف فرعون را می داند. او نقطه ضعف همه را می داند. زن فرعون پیشنهاد می دهد که بچه در خانواده فرعون بزرگ شود و فرعون هم این پیشنهاد زنش را قبول می کند. به این ترتیب نقشه خدا به راحتی پیش می رود. به این ترتیب جان موسی حفظ می شود و همچنین موسی در خانواده فرعون بزرگ می شود و ابهت خانواده فرعون برای او از بین می رود. بنی اسرائیل مظلوم و ضعیف و توسری خور بار آمده بودند. خدا موسی را در مقابل چشمان فرعون بزرگ می کند. بدون این که فرعون چیزی متوجه شود. خدا دشمن فرعون را در چند قدمی فرعون پرورش می دهد. زنان شیرده زیادی برای شیر دادن بچه آورده میشود ، اما موسی به امر خدا هیچکدام را قبول نمی کند. خواهر موسی پیشنهاد مادر موسی را می دهد. به این ترتیب موسی به آغوش مادرش برگردانده میشود. خدا قادر مطلق است. خدا از بالا همه چیز را می بیند. در بحرانی ترین حالات ، نجات دهنده است. مشکل ترین کارها را براحتی حل می کند.

ما انسانها اگر بخواهیم مشکلی را حل کنیم ، باید مراحل زیادی را طی کنیم و از افراد زیادی بخواهیم تا مشکل حل شود. اما خدا برای حل مشکلات با کسی مشورت نمی کند. خدا راه حلها را جاری می کند. وقتی خدا بخواهد همه چیز جور میشود. در نظام رحمانی ، راه حلها جاری است، اما در نظام شیطانی، راه حلها جاری نیست و مشکل است.در نظام شیطانی ، برای رسیدن به هدف باید به نظام رحمانی ضربه بزنید. مثلا

اگر هدف آدمیان از زندگی، داشتن ماشین لوکس و وسایل لوکس و خانه های گران قیمت باشد، از آنجا که هدف اشتباه است، در نتیجه به نظام رحمانی ضربه میزند و افراد برای بدست آوردن اینها مجبورند که رشوه بگیرند و زکات ندهند و تمام منابع طبیعی زمین را به پول تبدیل کنند و در نتیجه محیط زیست خویش را به بیابان تبدیل کنند. حفظ محیط زیست یک وظیفه جمعی است و هر کسی بدون توجه به این که دیگران رعایت میکنند یا نه، باید رعایت کند و این رعایت در اصل برای خودش مفید است و پندار نیکی است که به کردار نیک تبدیل شده است و در پرورش و تزکیه نفس ما آدمیان نقش مهمی دارد. اینکه دیگران چه چیزی را رعایت میکنند و یا نمی کنند، نباید در تصمیم ما تاثیر بگذارد؛ بلکه ما آدمیان باید همیشه پندارهای نیک خود را به کردار و گفتار نیک تبدیل کنیم و در این حالت بار روانی خود را کم میکنیم و از نظام رحمانی لذت برده و اعصاب انسان آرام میشود.